

تحلیل حقوقی نظام حقوق بین الملل

در راستای مقابله با خشونت علیه زنان

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۳/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۶/۱۲)

شیوا رستمی گنج آباد

چکیده

خشونت علیه زنان و دختران یکی از رایج ترین موارد نقض حقوق بشر در جهان است که هر روز بارها و بارها در اقصی نقاط جهان رخ می دهد، این مسئله عواقب جدی کوتاه مدت و بلندمدت جسمی و روانی بر زنان و دختران دارد. روز جهانی «مبارزه با خشونت علیه زنان» ۲۵ نوامبر برابر با پنجم آذر است، خشونت علیه زنان از مشارکت کامل و برابر زنان و دختران در جامعه جلوگیری می کند. میزان تأثیرگذاری آن، چه در زندگی افراد و خانواده ها و چه در کل جامعه، غیر قابل اندازه گیری است. دو سال از شروع ویروس کرونا می گذرد و جامعه همچنان درگیر و دار آسیب های جدی اقتصادی، اجتماعی و خانوادگی است تغییر سبک زندگی و حضور اجباری در منزل موجب افزایش آمار خشونت خانگی شده است. مهمترین راه کمک به زنان در مقابل خشونت و سو استفاده جنسی، افزایش حمایت های قانونی از آنها است، اما در کنار این راه مؤثر، کارشناسان شیوه های دیگری نیز برای بهبود وضعیت آنها در جامعه پیشنهاد می دهند که در این مقاله به بررسی برخی از این موارد پرداخته می شود.

واژگان کلیدی: خشونت علیه زنان، خشونت جنسی، حقوق بشر، خشونت خانگی، اسناد

و قوانین بین المللی

بخش اول: کلیات

خشونت علیه زنان یکی از جدیترین اشکال نقض حقوق بشر است که موجب نقض پایدار حقوق شخصی و پایمال شدن ارزش انسانی زنان می شود. در تبیین چیستی خشونت، تعریف مورد وفاق وجود ندارد. این بدان سبب است که هر کسی از پایگاه فکری، فرهنگی و اجتماعی خاص به خشونت نگریسته است و یا در مقام تعریف، گونه و یا عرصه ویژه ای از خشونت را در نظر داشته است و یا حتی آنان که خشونت در ساحت معین - خشونت اجتماعی - را به تعریف نهشته اند به دلیل هم زیستی خشونت با زور، قدرت و نیرو، چه بسا داد و ستدهای مفهومی میان آنها صورت پذیرفته و از همین رو در تعریف خشونت گفته شده است، خشونت یعنی: «استفاده از زور» و یا «سوء استفاده از قدرت» در تعریف های دیگری، خشونت یعنی: «هرگونه تهاجم فیزیکی بر هستی انسان که با انگیزه وارد آوردن آسیب، رنج و یا لطمه زدن همراه باشد». ۱۵ و یا «کاربرد نیروی فیزیکی و یا تهدید ناشی از کاربرد نیروی فیزیکی که می تواند لطمات جسمی، معنوی، بر شخص یا اشخاص بگذارد».^۱

بند اول: چیستی و ماهیت خشونت

خشونت در لغت به معنای «درشتی، ناهمواری، تندخویی»^۲ و نابهنجار آمده است و در فعل فارسی معین نیز معادل «پرخاشگری و سخت گیری» قرار گرفته است. بر این اساس، هرگونه رفتار یا گفتاری که متضمن سخت خویی، توهین و غضب باشد خشونت نامیده می شود؛ هرچند که خشونت به عنوان یک واقعیت اجتماعی و روانی - مفهومی نسبی دارد. مصادیق آن در هر جامعه متناسب با فرهنگ آن جامعه و متفاوت با جامعه دیگر است. به -

^۱ صغر افتخاری، ظرفیت طبیعی امنیت، (مورد مطالعاتی: قومیت و خشونت در ایران) فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره پنجم و ششم، پاییز و زمستان ۱۳۷۸ - هش به نقل: دکتر بهرام اخوان کاظمی، امام علی، عدالت و خشونت، کتاب نقد، ش ۴ و ۱۵، ۶۹.

^۲ دهخدا، علی اکبر «لغت نامه» جلد ۲۱

طور کلی می‌توان خشونت را سوء استفاده از قدرت در جهت اعمال فشار بر دیگران با هر وسیله اعم از ضرب و جرح، رفتار جنسی به عنف، ایذاء روحی و هرگونه تهدید و توسل به قدرت با هدف اثبات برتری و دست یابی به خواسته‌های فردی به نحوی که احتمالاً باعث آسیب‌های مشخصی، بزدیده خواهد شد تعریف نمود. از سوی دیگر به تناسب اینکه خشونت با چه اهدافی و به چه نحوی صورت می‌گیرد؟! می‌توان انواع خشونت را مورد شناسایی قرار داد. از جمله می‌توان، به این موارد اشاره کرد: خشونت پنهان در برابر خشونت آشکار، خشونت فردی در برابر خشونت گروهی، خشونت خانگی در برابر خشونت اجتماعی، خشونت هدفمند در برابر خشونت بی‌هدف و خشونت فیزیکی در برابر خشونت روانی را نام برد. لیکن مقاله پیش رو متمرکز بر خشونت علیه زنان است که از تبیین و توضیح انواع خشونت صرف نظر می‌شود.

بخش دوم: بررسی انواع خشونت علیه زنان

به‌طور کلی خشونت بر زنان در هر کشوری عموماً با سنت‌های غیر دینی و دینی آمیخته شده است که ممکن است که خشونت علیه آنها فردی، گروهی، دولتی یا شخصی، اجتماعی، یا خانوادگی فیزیکی یا روانی باشد. که در این قسمت به رایج‌ترین آنها می‌پردازیم.

بند اول: خشونت جسمی

یکی از اشکال خشونت بر اساس نتیجه وارده که براساس عنصر معنوی جرم که حاصل شدن نتیجه جرم است خشونت جسمی است که شامل اعمالی نظیر ضرب و جرح، قطع اندام جنسی، هل دادن - کتک‌زدن - سیلی زدن - قتل و پرتاب کردن اشیاء است. خشونت‌هایی که نتایج آن، به صورت شکستگی، پارگی عدم توانایی در وضع حمل، سقط جنین و گاهی مرگ مشخص می‌شود. اینگونه خشونت‌ها، ممکن است از جانب همسر، پدر، برادر یا خویشاوندان ذکور او یا از سوی مردان (جامعه) اجتماع ارتکاب یابد. اگرچه

آمار مشخصی درمورد خشونت‌های خانگی وجود ندارد و می‌توان به صراحت ادعا نمود که جامعه در این حوزه با رقم سیاه^۱ قابل توجهی روبرو هست. طی تحقیقات به عمل آمده در سالهای گذشته نشانگر این بوده است که در بیشتر شکایات مطروحه از سوی زنان، تکرار، تعدد خشونت منجر به اعلام جرم از سوی آنها شده است. آنچنان که غالب زنان بزه دیده خشونت، در طرح شکایت خود اظهار داشته‌اند، که پیش از این بارها مورد ضرب و جرح همسر خود قرار گرفته‌اند.^۲ (بررسی‌های انجام شده حاکی از آن است که بیشتر زنان به دلایل متعددی از جمله ترس از آبروریزی، طرد شدن از خانواده - خجالت، خطر جانی و همین طور از دست دادن فرزندان و همچنین مشکلات موجود در روند قضایی و اعتقاد به اینکه قانون به نفع مردان است شکایت خود را پنهان می‌کنند و شرایط خشونت آمیز علیه خود را تحمل می‌کنند. بدیهی است که احتمال آشکار شدن خشونت زوج نسبت به زوجه به نسبت خشونت مشابه از سوی پدر و یا برادران زن بیشتر است؛ به ویژه آنکه در جوامع سنتی، اعتراض به خشونت پدر و متعاقباً طرح شکایت در خصوص آن، حرمت شکنی کیان خانواده تلقی می‌شود. و زنان بزه دیده، بار دیگر مورد سرزنش بستگان خود قرار می‌گیرند که خود نوع بزه دیدگی دوباره محسوب می‌شود. طی آمارهای بدست آمده زنانی که در مورد خشونت همسرشان طرح شکایت نموده‌اند در دادسرا و کلانتری اعلام رضایت نموده، آمار مذکور از آن جهت بغرنج است که دقیقاً مشخص نیست به چه دلیل زنان بزه دیده، از شکایت خود صرف‌نظر نموده‌اند و به لحاظ عدم پیگیری زنان یا ارائه نمودن دلایل کافی مختومه شده‌اند. از اینرو می‌توان بدین نتیجه رسید که احتمالاً انصراف چنین زنانی از ادامه تعقیب دعوا بی‌پناهی، عدم استقلال مالی و تهدید زوج یا طرد خانواده‌شان باشد و نه رضایت واقعی!!

^۱ رقم سیاه بزهکاری؛ به نسبت میان بزهکاری واقعی که در عالم خارج محقق می‌شود. و بزهکاری قانونی که در مراجع قضایی منجر به صدور حکم می‌شود اطلاق می‌گردد.

^۲ اسدی، لیلا سادات، «مهار خشونت‌های خانگی از قانون تا اخلاق» بهار ۱۳۸۳

بند دوم: مصداق بارز خشونت جسمی

خشونت‌های جسمی، آسیب‌های خفیف یا شدید بر بدن ایجاد می‌کند. بسیاری از برخوردهای فیزیکی را می‌توان ضرب و جرح دانست. این موارد شامل سیلی زدن، مشت زدن- شلاق زدن- سوزاندن- اسید پاشی- ایجاد جراحت سطحی یا خفیف و با وسایل برنده مانند چاقو- تیغ، فشردن گلو- هل دادن و به زمین انداختن و همچنین پرتاب اشیاء به سمت زنان را در بر می‌گیرد. با این حال تحقیق انجام شده توسط سازمان جهانی بهداشت تحت عنوان «سلامت زنان و خشونت خانگی علیه زنان» مشخص نمود که سیلی زدن، رایج‌ترین خشونت نسبت به زنان است.^۱ قتل زنان نیز شدیدترین خشونت جسمی نسبت به ایشان است، که غالباً در چهارچوب همسر کشی یا ناموس کشی رواج دارد. بزه دیدگان، به دلیل تعصب با بدبینی‌خویشان و نزدیکان‌شان، کشته می‌شوند تا اصطلاحاً آبروی خانوادگی‌شان حفظ شود. در واقع در جوامع سنتی قتل زن و بزه دیده را برای حفظ آبروی بستگان را جایز می‌داند.

بند سوم: خشونت عاطفی

هرگونه رفتار و گفتار خشونت آمیزی که شخصیت بزه دیده را خدشه دار کند، خشونت روانی است. اگر چه خشونت روانی به تناسب آداب و رسوم و فرهنگ هر جامعه متفاوت است. در تعریف خشونت روانی آمده است: هر نوع رفتار و گفتار خشنی است که سلامت روحی و روانی فرد را با خطر مواجه نماید و مصادیق آن عبارتند از انتقاد ناروا و مداوم، اهانت، تمسخر، توهین، فحاشی - تهدید به ازدواج مجدد می‌باشد.^۲ «شوهر با استفاده از اقتدار خود با ایجاد ترس و تهدید به اعمال جنسی یا جسمی به منظور وادار کردن زن به انجام عمل و رفتاری مطابق با میل وی» همسر آزاری می‌نماید. و بدین ترتیب روابط

^۱. حمیدی، فریده، (حقوق زن و حقوق بشر)، انتشارات روشنگران، www.stopvaw.org

^۲. کار، مهرانگیز، «پژوهش درباره خشونت علیه زنان در ایران»، انتشارات روشنگران، ۱۳۷۹.

خانوادگی بین زوجین و دیگر اعضای خانواده، سست و به سلامت روانی زن، آسیب فراوان وارد می‌شود. از دیگر مصادیق خشونت روانی می‌تواند بی‌اعتنایی، منت‌گذاری، قهر طولانی مدت و سکوت، تهمت، سخت‌گیری، بدگمانی و بی‌اعتمادی، بی‌مهری، منع از اشتغال و ایجاد محدودیت‌های نا متعارف مثل منع زن از معاشرت با دوستان را نام برد. ذکر این نکته ضروری است که برای وارد شدن خشونت روانی بر زنان، الزاماً لازم نیست که خشونت فیزیکی هم وارد شده باشد.

بند چهارم: خشونت جنسی

خشونت جنسی به هر نوع رفتار خشن جنسی یک فرد نسبت به دیگری علی‌رغم مخالفت طرف دیگر اطلاق می‌شود. عنصر خشونت در عنوان خشونت جنسی، خود نشانگر اجبار و عنف از سوی مرد متجاوز و عدم تمایل از سوی زن بزه دیده است. خشونت جنسی علیه زنان، مصادیق متعددی دارد؛ هرگونه نگاه شهوت‌آمیز به زنان، تماس بدنی عمدی، تظاهر به انجام اعمال جنسی در حضور زن، آدم ربایی، به منظور تجاوز و انجام اعمال منافی عفت، راه‌اندازی مراکز فحشا، قاحاق زنان، هر نوع بهره‌برداری تجاری از زنان از قبیل تهیه عکس و فیلم و انتشار آن از طریق رسانه‌ها، مونتاژ عکس و انتشار آن، حمایت از فاحشگی و تسهیل آن، زنای با محارم، اجبار به رابطه جنسی در زمان عادت ماهیانه و بیماری، از مصادیق خشونت جنسی است. درنهایت می‌توان شدیدترین نوع رفتار مجرمانه که متضمن خشونت جنسی است را، تجاوز و زنای به عنف دانست. این نوع خشونت در همه جوامع، با اشکال متفاوت به چشم می‌خورد و هیچ‌گونه حدود و مرز جغرافیایی و فرهنگی را نمی‌شناسد. خشونت علیه زنان طبق تعریف سازمان ملل در سال ۱۹۹۳ عبارت است از: «هر عمل خشونت‌آمیز نسبت به جنس مؤنث و هر فعلی که منجر به ضرر نسبت به زنان یا دردهای جسمانی، جنسی، روانی منجر شود و همچنین تهدید به چنین افعالی، خشونت علیه زنان محسوب می‌شود.» درمقدمه اعلامیه رفع خشونت از زنان آمده است: «هرگونه عمل خشونت‌آمیز براساس جنسیت که باعث بروز لطمات و آسیب‌های جسمی، جنسی،

یا روانی یا رنج و آزار زنان و تهدید به انجام این اعمال که منجر به محدودیت اجباری یا اختیاری (در شرایط خاص) از آزادی در اجتماع یا در زندگی خصوصی می‌گردد. این اعلامیه با وجود آنکه نخستین سند بین المللی حقوق بشری است که به طور انحصاری به مسئله خشونت علیه زنان پرداخته است صرفاً به ذکر مصادیقی از خشونت مانند تجاوز به عنف، سوء استفاده جنسی، بهره‌کشی از فحشا سوء استفاده در حمل مواد مخدر، قتل و شکنجه اسارت جنسی - آستان اجباری اکتفا نموده است.^۱ و همچنین در چهارمین کنفرانس جهانی زن در سال ۱۹۹۵، معروف به اعلامیه پکن کلیه مسائل مربوط به زنان مورد بحث قرار گرفت که ذیل عنوان خشونت علیه زنان در بند ۱۱۳ تعریف دقیقی از آن ارائه شده است:

«اصطلاح خشونت علیه زنان به هر فعل خشونت بار مبتنی بر جنسیت اطلاق می‌گردد که به آسیب دیدگی یا رنج جسمانی، روانی یا جنسی زنان منتهی می‌شود و یاممکن است منتهی شود، از جمله تهدید به ارتکاب اینگونه اعمال، اجبار و سلب خودسرانه آزادی، خواه در زندگی خصوصی و یا زندگی عمومی.» براساس این تعریف، خشونت علیه زنان با توجه به قید خشونت مبتنی بر جنسیت شناخته می‌شود ولو آنکه عمل خشونت منجر به تحقق واقعی ایجاد صدمه به زنان شود از این روست که حتی تهدید به خشونت که منجر به ایجاد احساس ترس و نا امنی در زنان می‌شود را نیز در بر می‌گیرد که به خشونت جسمی، جنسی، روانی تقسیم می‌شود. این انواع خشونت‌ها می‌تواند هم از سوی جامعه و هم از سوی دولتها رخ دهد. بنابراین سند، اعمالی همچون ضرب و جرح، سوء استفاده‌های جنسی - آزارجنسی در نهادهای آموزشی و خرید و فروش زنان و وادار کردن به روسپیگری و قوادی را قالب خشونت‌های اجتماعی گنجانده است و باید گفت که دولت ایران از این قاعده مستثنی نیست. در ایران زنان در اثر فشارهای سنتی و فرهنگی، پذیرای ستم بر خویشان به گونه‌ای که بخش عمده خشونت برخورد پوشانند و در برخی از

^۱ اعلامیه مذکور درنهمین کنگره سازمان ملل در مورد پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین در دسامبر ۱۹۹۳ به تصویب رسید.

موارد، خشونت وارده را ناشی از رفتار نادرست خود و عقوبت اجرا شده را صحیح می‌دانند. عکس‌العملی که خود منجر به تقویت و تکرار خشونت علیه آنان می‌شود. از سوی دیگر در محیط کار نیز، قیم مآبی مردان و اجتماع و نگرش منفی به نقش اجتماعی زنان در تشدید خشونت علیه آنان مؤثر است.

بخش سوم: بررسی مواضع حقوق بشری و بین‌المللی به رفع خشونت علیه زنان

زنان بدلیل موقعیت آسیب‌پذیرشان بیشتر در معرض خشونت قرار دارند. از این رو نیازمند حمایت‌های خاص و افتراقی در برابر اینگونه جرایم‌اند. امروزه سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی و در رأس آن‌ها، سازمان ملل، نهادها و نمایندگی‌های تخصصی آن، موضوع خشونت علیه زنان را در دستور کار خود قرار داده‌اند به ویژه اینکه این نهادها با داشتن با داشتن اعتبارات مالی و با استفاده از متخصصین قادرند نقش مهمی را در جمع‌آوری اطلاعات راجع به این پدیده و متعاقباً آرایه راهکارهای مناسب ایفا نمایند. این سازمان‌ها اصولاً با تشویق برنامه‌های حمایتی که توسط دولت‌ها و یا سازمان‌های غیردولتی اداره می‌شود، تاکنون در تمام دنیا، اقدامات موثری انجام داده‌اند. موضوع خشونت علیه زنان را امروزه سازمان‌های بین‌المللی و در رأس آنها سازمان ملل متحد، نهادها و بانک جهانی در دستور کار خود قرار داده‌اند. برنامه‌های آنان ارتباط بین حقوق بشر، بهداشت و مشارکت زنان عرصه‌های سیاسی و فرهنگی را با شرایط گسترده‌تر خشونت علیه زنان به عنوان موضوعی توسعه یافته برقرار می‌کند. و یکی از اهداف مهم و کلیدی تشکیل سازمان ملل را باید تعهد به فرهنگ صلح دانست که هسته اصلی فعالیت‌های آن در سه حوزه صلح و امنیت، توسعه پایدار و حقوق بشر شکل گرفته است. و این نهادها فعالیت‌های خود را بر چهار رکن اصلی استوار کرده است که عبارتند از: « برقراری امنیت و عدالت مقابله با خشونت مبتنی بر جنسیت و تعارض جنسی، افزایش مشارکت زنان در فرآیند صلح و فعالیت‌های بشردوستانه» و در همین راستا سازمان ملل متحد اقدام به تهیه و تصویب اسنادی در جهت تمی خشونت علیه زنان و حمایت از زنان در برابر خشونت نموده است.

بند اول: اعلامیه رفع خشونت علیه زنان

در دسامبر ۱۹۹۲، کمیسیون مقام زن، یک گروه اجرایی میان دوره‌ای را برای تهیه پیش-نویس اعلامیه رفع خشونت علیه زنان دعوت نمود. هیاتهای نمایندگی ۴۸ کشور عضو شرکت کننده در این اجلاس از ۴۱ مرد و ۵۸ زن تشکیل شده بودند. گروه مذکور به اتفاق آراء متن پیش‌نویس اعلامیه را مورد تصویب قرار داده و مجمع عمومی نیز طی قطعنامه ۴۸/۱۰۴ د دسامبر ۱۹۹۳ آن را تصویب نمود. اعلامیه فوق‌الذکر دارای یک مقدمه و شش (۶) ماده است و می‌توان آن را تحسین سند بین‌المللی که به طور خاص به خشونت علیه زنان پرداخته است دانست. بدین ترتیب روز ۴ آذر که روز اعلامیه جهانی حذف خشونت علیه زنان بوده است را روز مقابله با خشونت علیه زنان نامیده‌اند در قسمتی از این اعلامیه به حمایت از برخی از گروه‌های زنان از جمله زنان متعلق به گروه‌های اقلیت، زنان بومی، زنان پناهنده و زنان مهاجر و زنانی که در مناطق روستایی یا دور افتاده زندگی می‌کنند و همین‌طور زنان معمول و ناتوان و کهنسال و زنان در مناطق جنگی به طور ویژه در مقابل خشونت آسیب‌پذیر هستند پرداخته است. همچنین اعلامیه رفع خشونت علیه زنان در مقدمه خود، این درک و شناسایی بین‌المللی را تصدیق می‌کند که خشونت علیه زنان نقض حقوق بشر و درحقیقت شکلی از تبعیض نسبت به زنان است. نکته قابل ملاحظه در این اعلامیه آن است که صرفاً به تقبیح خشونت بر زنان نیست بلکه راهکارهایی به منظور مبارزه با همه اشکال خشونت نسبت به زنان را توجیه می‌کند. این تدابیر را می‌توان به تدابیر قانونی، تدابیر حمایتی و تدابیر آموزشی تقسیم نمود که در ادامه به بررسی هریک از آن‌ها پرداخته می‌شود. یک سوال در اینجا مطرح می‌باشد و اینکه چرا ۲۵ نوامبر را چرا روز جهانی مقابله با خشونت علیه زنان نام گذاری شد؟ در پاسخ به این سوال باید گفت: پیشترها، در کشورهای آمریکای لاتین و شماری دیگر از کشورهای دنیا روز ۲۵ نوامبر تحت عنوان «روز جهانی خشونت از زنان گرامی داشته می‌شد که در آن گرد همایی، زنان شرکت کننده خشونت سیستماتیک نسبت به زنان از ضرب و جرح‌های خانگی تا تجاوز و

آزار جنسی تا خشونت‌های دولتی همچون شکنجه و بدرفتاری با زنان زندان سیاسی را محکوم کرده و روز ۲۵ نوامبر را به عنوان گرامیداشت خاطره خواهران «میرابال» تعیین نموده‌ند. که این روز در اصل روزی است که سه زن آزادی‌خواه در دومینیکن در سال ۱۹۶۰ د ردوران دیکتاتوری «رافائل تراجیلو» به قتل رسیدند. از آن پس به مناسبت گرامیداشت خاطره آن و نیز آگاه نمودن افکار عمومی از اعمال خشونت علیه زنان، روز ۲۵ نوامبر مورد توجه قرار گرفت.»

بند دوم: بررسی و نگاهی اجمالی به اجلاس پکن +۵

بیست و سومین نشست ویژه مجمع عمومی سازمان ملل، « زنان، ۲۰۰۰ برابری جنسی، توسعه و صلح برای قرن ۲۱» در تاریخ ۹ تا ۵ ژوئن سال ۲۰۰۰ در نیویورک برگزار شد و در آن، اعلامیه سیاسی و سند نهایی به نام «اقدامات و ابتکارات بیشتر برای اجرای اعلامیه و کارپایه عمل پکن» تصویب شد. اعلامیه مذکور مشتمل بر بیش از ۲۰۰ پاراگراف در چهار بخش شامل مقدمه، دستاوردها و موانع، چالش‌های جاری و اقدامات در سطوح مختلف به تصویب رسید.

«این اجلاس باحضور ۱۸۸ هیأت دولتی و ۱۲۵۰ نماینده از سازمان‌های غیردولتی کشورهای مختلف در مقرسازمان ملل برگزار گردید. از ایران نیز یک هیأت دولتی به ریاست خانم دکتر زهرا شجاعی مشاور رئیس جمهوری و رئیس مرکز امور مشارکت زنان در این اجلاس شرکت کردند. که متشکل از ۵ نفر از مراکز امور مشارکت زنان و ۲ نفر از وزارت امور خارجه بود. و در راستای اعلامیه و کارپایه عمل پکن باید افزود که یکی آنرا استثنایی ترین اسنادی است که از تجمع دولت‌ها متبلور شده و از زمان ایجادش زنان به طور چشمگیری پیشرفت کرده‌اند. هرچند خشونت علیه زنان امروزه یک عمل غیر قانونی در همه کشورهای محسوب می‌شود اما هنوز زمان متحمل بار نامناسب فقر- بی‌سوادی- سوء

تغذیه و خشونت هستند این مطلب واضح است که با وجود پیشرفت‌های که به عمل آمده کارهای زیادی هنوز باقی مانده در جهت رسیدن به برابری بین زنان و مردان»

بخش چهارم: راهکارهای موثر در مقابله با خشونت علیه زنان در عرصه ملی و بین المللی

سنداجلاس زنان ۲۰۰۰ پس از بررسی دستاوردها و موانع کار پایه عمل پک، راهکارهایی را جهت علیه بر موانع و اجرای کامل و سریع کارپایه عملی پکن ارائه می‌دهد. در بند ۵۹ یادآوری می‌شود:

خشونت علیه زنان مانع مهمی بر سر راه اجرای اهداف برابری جنشی، توسعه و صلح است. خشونت علیه زنان به هر شکل و گونه‌ای که باشد بهره‌مندی آنان را از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین سلب می‌کند. از این منظر، اقداماتی که باید توسط دولت‌ها در سطوح ملی به منظور مبارزه با خشونت زنان انجام گیرد. اتخاذ کلیه معیارها و ابزارهای ویژه به منظور رفع تبعیض علیه زنان است که در واقع همین تبعیض منجر به بروز خشونت نسبت به آنان می‌گردد. و بازنگری و اصلاح قوانین مربوط به خشونت علیه زنان و همچنین دیگر ابزارهای ضروری تعیین‌کننده این که زنان و دختران در برابر همه اشکال خشونت‌های جسمی، جنسی و روانی مورد حمایت قرارگیرند و حق مراجعه به دادگستری و اقامه دعوی را دارا باشند. لازم و ضروری می‌باشد. نکته مهم دیگر در این اعلامیه تعقیب مرتکبین هم اشکال خشونت علیه زنان و مجازات آنها، جبران خسارات بزه دید، برخورد با هم اشکال خشونت علیه زنان و تلقی آن به عنوان جرم قابل مجازات می‌باشد. لذا ضروری است که دولت‌ها در برخورد با معضل خشونت‌های پنهان به ویژه خشونت خانگی و خشونت‌های جنسی، به ایجاد یا تقویت قوانین جزایی مرتبط با همه اشکال خشونت‌های خانگی از جمله تجاوز به عنف از سوی شوهر و سوء استفاده جنسی از زنان اقدام نمایند. همچنین از دولتها خواسته شده است تا از مطرح شدن خشونت‌های خانگی در سیستم دادگستری به هر نحو

اطمینان حاصل نمایند. توسعه قوانین کیفری و اجرای کامل قوانین مرتبط با خشونت به مانند برنامه‌های آموزشی و سیاسی به منظور قلع و قمع عرف‌های زیان آور و یا رویه‌های سنتی مانند قطع اندام جنسی دختران ازدواج زود هنگام ازدواج اجباری و نیز خشونت آمیز جسمی مانند قتل‌ها و ایراد ضرب و جرح‌هایی که اصطلاحاً حاض ناموسی خوانده می‌شوند و به قطع یقین، نقض فاحش حقوق بشر زنان و مانع بهره‌مندی زنان از حقوق و آزادی‌های بنیادین‌اند. بایستی در دستور کار دولت‌ها قرار گیرد و در این راستا، مشارکت و همکاری لازم با سازمان‌های فعال در امور زنان می‌تواند به افزایش آگاهی شهروندان می‌انجامد. افزایش همکاری‌ها، ابزار قانونگذاری ملی و دیگر ابزارهای مانع و حمایت کننده مربوط به رفع خشونت از زنان خصوصاً بهره‌کشی جنسی، تجارت فحشا، خرید و فروش قاچاق زنان و کودکان، جرایمی که به نام شرافت و ناموس ارتکاب می‌یابد، جرایم با انگیزه نژادی، آدم-ربایی، اسیدپاشی و رویه‌های سنتی و زیان آور نظیر قطع اندام جنسی، ازدواج‌های زود هنگام از مواردی هستند که در قسمت (الف) بند ۹۶ سند اجلاس مورد اشاره و تأکید قرار گرفته‌اند و در آن از دولت‌ها خواسته شده است به بررسی و تحقیق دقیق پیرامون علل و ریشه‌های اصلی خشونت علیه زنان بپردازند. تا براساس این تحقیقات بتوانند برنامه‌های منسجم‌تری در برخورد با این اعمال اتخاذ کنند. همچنین در قسمت (ب) بند ۹۸ سند اجلاس زنان ۲۰۰۰، برخورد با خشونت‌هایی که علیه زنان به انگیزه‌های نژادی ارتکاب می‌شوند، ارائه خدمات بهداشت روانی در کنار سایر خدمات پزشکی به زنان که قربان انواع خشونت بوده‌اند و حمایت از زنان مهاجر و پناهنده مورد تأکید قرار گرفته است.

بخش پنجم: مواضع حقوق بشر دوستانه در ارتباط با منازعات مسلحانه در مورد خشونت علیه زنان

زنان به دلیل جایگاهی که در جامعه دارند، در موقعیت‌های مناقشات مسلحانه، اشغال بیگانه، جنگ‌های تجاوز کارانه، حتی جنگ‌های داخلی و تروریسم بیشتر از سایرین آسیب خواهند دید. علاوه بر ارتکاب جرایم عادی نسبت، زنان در خلال در بعد از مناقشات مسلحانه،

زنانی به عنف به عنوان یک سلاح جنگی استفاده می‌شد حتی زمانی که به عنوان یک استراتژی نظامی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. لازم به ذکر است زنانی به عنف و تهاجم جنسی عموماً به وسیله نیروهای نظامی ارتکاب می‌یابند و ممکن است حتی بوسیله نیروهای حافظ صلح، بعد از توقف عملیات جنگی ارتکاب یابد. حوادث ناگوار دو جنگ جهانی و میلیون‌ها کشته و آواره و نیز تجربه ناموفق جامعه ملل، سازمان ملل متحد و نهادهای تأسیسی این سازمان را برآن داشت تا تمامی توان خود را برای ارتقای امنیت بین‌المللی و ایجاد صلح پایدار به کار گیرند.

در اغلب جنگ‌ها، حدود ۹۰ درصد تلفات از غیر نظامیان است و بسیاری از آنان را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند؛ بنابراین زنان نخستین گروهی هستند که با فروپاشی زیرساخت‌های اجتماعی و سیاسی در نتیجه جنگ و نظامی‌گری دولت‌ها زیان می‌بینند؛ از همین رو، سازمان ملل متحد از بدو تأسیس تاکنون توجه فراوانی به وضعیت زنان در جنگ و نیز فعال سازی جایگاه آنان در فرایند صلح داشته است. برخی از اقدامات سازمان ملل در این زمینه عبارت است از: تأسیس کمیسیون منزلت زنان در ۱۹۴۶، سال بین‌المللی زنان در ۱۹۷۵، کنفرانس زنان در مکزیک، نام‌گذاری دهه زنان در سازمان ملل در خلال سال‌های ۱۹۷۵-۱۹۸۵، برگزاری کنفرانس زنان در کپنهاک در سال ۱۹۸۰، برگزاری کنفرانس زنان در نایروبی در سال ۱۹۸۵، برگزاری کنفرانس حقوق بشر در وین در سال ۱۹۹۳، برگزاری کنفرانس پکن در سال ۱۹۹۵، برگزاری کنفرانس پکن +۵ در سال ۲۰۰۰. بسیاری دیگر از این موارد را می‌توان یافت که حاکی از توجه به زنان پس از جنگ جهانی دوم و به ویژه پس از پایان جنگ سرد است.^۱

^۱. بیلین و اسمیت، ۱۳۸۳: ۱۳۲۷-۱۳۲۶

بند اول: کنوانسیون‌های لاهه و ژنو

منابع اصلی حقوق بشر دوستانه بین‌المللی یا به تعبیر دیگر حقوق جنگ را میتوان کنوانسیون‌های لاهه ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ دانست که در آنها حقوق و وظایف طرفین درگیری در جنگ و نیز محدودیت در استفاده از سلاح‌ها در جنگ بیان شده است. همچنین کنوانسیون‌های ژنو مشتمل بر چهار کنوانسیون و دو پروتکل الحاقی به ترتیب در سال‌های ۱۹۴۹ و ۱۹۷۷ تصویب شد و دربرگیرنده حمایت از افراد نظامی و غیرنظامی می‌باشد. مهمترین حقوق بین‌المللی در حمایت از زنان در مناقشات مسلحانه، کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ با عنوان «قرارداد ژنو راجع به حمایت افراد کشوری در زمان جنگ» می‌باشد. مهم‌ترین مادۀ این قرارداد، مادۀ ۲۷ آن است که اشعار می‌دارد: «اشخاص مورد حمایت در هر مورد ذیحق به احترام شخص خود و شرافت خود و حقوق خانوادگی خود و اعتقادات و اعمال مذهبی خود و عادات و رسوم خود می‌باشند. در هر زمان با آنان به انسانیت رفتار خواهد شد و من جمله در مقابل همه‌گونه اعمال خشونت آمیز یا تخویف و در مقابل دشنام و کنجکاوای عامه حمایت خواهند گردید.

زنان مخصوصاً در مقابل هرگونه تخطی به شرافت از جمله مقاومت به عنف و اجبار به فحشا و هرگونه تجاوز به عنف حمایت خواهند شد. دولت متخاصمی که اشخاص مورد حمایت را در اختیار خود دارد با رعایت مقررات مربوط به وضع، مزاج، سن و جنس آنان با همگی با توجهات متساوی بدون هیچ‌گونه تبعیضی نامساعد از جمله از لحاظ نژاد، مذهب یا عقاید سیاسی رفتار خواهد کرد...» با نگاهی به مادۀ ۲۷ کنوانسیون چهارم و مادۀ ۲ پروتکل دوم الحاقی مشاهده می‌شود که به مسئله تجاوز جنسی به زنان به عنوان یک جرم علیه حیثیت و شرافت زن و نه یک خشونت جسمی پرداخته شده است؛ از این رو شاید بتوان این امر را دلیل عدم موفقیت مجامع بین‌المللی در پیشگیری از خشونت بر زنان در جنگ‌ها دانست. هرچند کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ و پروتکل الحاقی اول آن ۱۹۷۷ اشاره‌ای به خشونت جنسی علیه زنان به عنوان یک جرم جنگی ننموده لیکن چون اموری مانند

شکنجه، رفتار غیرانسانی و آسیب شدید جسمی را بیان داشته است، می‌توان خشونت جنسی را نیز در زمره آنها تلقی نمود. علاوه بر این که حقوق بین‌الملل عرفی نیز که بر پایه رفتار مستمر دولت‌ها و اصول کلی مورد قبول اکثر کشورها می‌باشد خشونت جنسی و تجاوزات به عنف در مناقشات مسلحانه را یک جرم جنگی به حساب می‌آورد.^۱ لازم به ذکر است ایران نیز، در سال ۱۳۳۴ به موجب قانون اجازه الحاق دولت ایران، به قراردادهای معروف به قرارداد ژنو ۳۴/۹/۳۰ پیوسته است.

بند دوم: اعلامیه رفع خشونت از زنان و حمایت از آنان در جنگ‌ها

اعلامیه رفع خشونت از زنان مصوب ۱۹۹۳، ماده ۱۵ خود را به بحث پیرامون وضعیت زنان در مناقشات مسلحانه اختصاصی داده است. این ماده تأکید می‌کند دولت‌های عضو بایستی آسیب‌پذیری زنان در برابر خشونت در وضعیت‌های تعارضات مسلحانه و نیز قتل عمد، شکنجه و تجاوز به عنف سیستماتیک، اسارت جنسی و آبهستی اجباری را مورد توجه خاص قرار دهند. براساس قسمت (الف) این ماده دولت‌ها به منظور حمایت از زنان در طول جنگ بایستی حقوق بشر دوستانه بین‌المللی و حداقل استانداردهای مربوط به حقوق بشر که در اسناد بین‌المللی ذکر شده است را رعایت نمایند. از سوی دیگر دولت‌ها ملزم به تضمین امنیت زنان در طول جنگ‌ها و بعد از آن شده‌اند. از دیگر مسائلی که در این اعلامیه به آن اشاره شده است فراهم نمودن امکان دسترسی به موقع زنان به کمک‌ها و همکاری‌های سازمان‌های بشر دوستانه است، علاوه بر این که دولت‌ها بایستی برای مرتکبی چنین اعمالی، مجازات‌های سخت و شدید تعیین و اجرا نمایند.

همانطور که مشاهده می‌شود در اعلامیه رفع خشونت علیه زنان ۱۹۹۳، تنها یک ماده به بحث پیرامون زنان در زمان مناقشات مسلحانه پرداخته است.

^۱ میرمحمد صادقی، حسین، «حقوق جزای بین‌الملل»، انتشارات میزان، چاپ یکم، تهران، صفحه ۸۵-۸۴.

بند سوم: کنفرانس پکن و حمایت از زنان در جنگ ها و اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی

سند کنفرانس پکن در بند ۱۲ خود، ابقای صلح و امنیت در سطوح جهانی، منطقه ای و محلی همراه با جلوگیری از خط مشی های تجاوز و پاکسازی قومی و حل و فصل مناقشات مسلحانه برای حمایت از حقوق بشر مربوط به زنان و کودکان دختر، و نیز امحای جمیع صور خشونت علیه آنها را حائز اهمیت علام می ناید و کاربرد آنها به عنوان سلاح و تاکتیک جنگی را تقبیح می نماید. در قسمت اخیر بند ۱۳۱ کارپایه پکن، به پاره ای از موارد نقض حقوق بشر زنان در جنگ ها اشاره می کند که شامل نقض کلان حقوق بشر، به ویژه به صورت نسل کشی، پاکسازی قومی به عنوان یک استراتژی جنگی، تجاوز به عنف از جمله تجاوز به عنف نظام یافته در موقعیت های جنگی، ایجاد مهاجرت توده وار پناهندگان و آوارگان می باشد. در بند ۱۳۲ سند کنفرانس پکن نیز، بر اصول مقرر در کنوانسیون ژنو راجع به حمایت از غیر نظامیان در زمان جنگ و پروتکل های الحاقی آن مصوب ۱۹۷۷، تأکید شده است. در بند ۱۳۶ اشاره شده است که زنان و کودکان حدود ۸۰٪ از میلیون ها پناهنده و آوارگان داخلی را تشکیل می دهند. اموری چون محرومیت از اموال، کالا، خدمات و محرومیت از بازگشت به میهن و نیز خشونت و عدم امنیت آنها را تهدید می کند. اعلامیه پکن به خشونت جنسی علیه زنان بیش از سایر موارد تکیه می نمایند. زنان در حین گریز بر پایه هراس موجه از ایدای جنسی در کشورهایی که به آنها پناهنده می شوند و پس از بازگشت به میهن کماکان نسبت به خشونت استثمار آسب پذیرند. همچنین در پاره ای از کشورهای میزبان هنگامی که زنان پناهنده مورد خشونت قرار گیرند اقامه دعوی آنان به لحاظ پناهنده بودن با موانعی روبروست.

در بررسی حقوق بشر دوستانه بین المللی و کنوانسیون چهارم ژنو ماده ۲۷ و ماده ۲ پروتکل دوم الحاقی آن مشاهده شده که عمل تجاوز به عنف به عنوان یک جرم علیه حیثیت و شرافت زن و نه یک خشونت جسمانی علیه وی مطرح شده و در نتیجه اهمیت کمتری

نسبت به اعمالی چون شکنجه داشته است. اما در قسمت (ج) بند ۱۴۵ کار پایه پکن برخوردی متفاوت با تجاوز به عنف علیه زنان در مناقشات مسلحانه شده و آن را به عنوان یکی از اشکال خشونت جسمی تلقی نموده است و مجدداً تأیید می‌کند که تجاوز به عنف در جریان مناقشان مسلحانه جنایت جنگی و درموردی با وجود شرایط مقرر در کنوانسیون منع نسل کشی و مجازات آن مصوب ۹ دسامبر ۱۹۴۸ جنایت علیه بشریت و نسل کشی محسوب می‌گردد. کار پایه پکن به منظور حمایت از زنان پناهنده و آواره داخلی، دولت‌ها را مکلف می‌نماید که با مشارکت سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های غیردولتی و دیگر نهادهایی که در تأمین حمایت، مساعدت و پرورش زنان پناهنده و آواره داخلی دخیل هستند، همچون دفتر کمیساریای عالی ملل متحد در امور پناهندگان و برنامه جهانی غذا، به نحو مقتضی دخالت کامل زنان در کلیه مساعدت‌ها را تضمین نمایند. همچنین در بند ۱۴۸ کارپایه از دولت‌ها خواسته شده است تا راه‌کارها و رهنمودهای کمیساریای عالی ملل متحد در امور پناهندگان در باب حمایت از زنان پناهنده و ارزیابی و مراقبت از بزه‌دیدگان را به کار گیرند.

بخش ششم: نگاهی اجمالی به کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان در عرصه بین‌المللی

کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض علیه زنان^۱ در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ طی قطعنامه ۳۴/۱۸۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید و در ۳ سپتامبر با گذشتن سی روز از تودیع بیستمین سند الحاق یا تصویب لازم‌الاجرا گردید. کنوانسیون مذکور به انواع تبعیض - هایی که علیه زنان صورت می‌گیرد، اشاره می‌کند و آنها را در بر می‌گیرد. یکی از نکاتی که مورد توجه کنوانسیون می‌باشد مسئله پیشگیری از استثمار و بهره‌کشی از زنان در اشکال گوناگون است. ماده ۶ این کنوانسیون مقرر می‌دارد: «دولت‌های عضو، کلیه اقداماتی مقتضی

^۱. (CEDAW).

از جمله وضع قوانین را به منظور جلوگیری از حمل و نقل غیرقانونی و بهره برداری از روسپیگری زنان به عمل خواهند آورد». در کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض علیه زنان، تنها یک ماده یعنی ماده ۶، به بحث پیرامون بهره‌کشی و استثمار زنان پرداخته است. با این حال، با توجه به مفاد آن می‌توان چنین استنباط نمود که ماده ۶، فقط به وضع قوانین مرتبط با بهره‌کشی جنسی زنان اکتفا نکرده و تمامی اقدامات لازم در پیشگیری از روسپیگری را خواستار شده است. در این ماده از دولت‌ها خواسته شده است که:

«۱- کشورها به منظور جلوگیری از خرید و فروش زنان به هر شکلی و بهره‌کشی به شکل روسپیگری به همه اقدامات از جمله وضع قوانین توسل جویند.

۲- خرید و فروش زنان به مفهوم گسترده تعریف شود، به طور کلی بردگی جنسی را در ارتش و به شکل کلی، فریب زنان مهاجر و در سفارش زن از راه دور، و ازدواج‌های دروغین رادر بگیرد.

۳- اقدامات لازم جهت ممانعت از روی آوردن زنان و دختران به روسپیگری برای تأمین معاش به عمل آید».

بخش هفتم: مواضع حقوق بین الملل کیفری نسبت به نهادهای مشابه بردگی

منبع اصلی مقررات مربوط به حقوق ازدواج، اعلامیه جهانی حقوقی بشر می‌باشد. بند ۲ ماده ۱۶ اعلامیه مقرر می‌دارد: «ازدواج باید با رضایت کامل و آزادانه زن و مرد واقع شود». علاوه بر اعلامیه جهانی حقوق بشر، اسناد بین المللی دیگری نیز بر ضرورت ازدواج با رضایت طرفین تأکید دارد؛ از جمله میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در بند ۳ از ماده ۲۳ خود مقرر داشته است: هیچ نکاحی بدون رضایت کامل و آگاهانه طرفین منعقد نمی‌شود». میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ نیز، در بند یک ماده ۱۵ خود مقرر

داشته است: «ازدواج باید با رضایت آزادانه طرفین که قصد آن را دارند واقع شود». اسناد بین‌المللی دیگری پیرامون منع ازدواج‌های اجباری و کنوانسیون رضایت در ازدواج، حداقل سن ازدواج و ثبت ازدواج در سال ۱۹۶۲، جملگی بر حمایت از دختران و زنان در برابر خشونت‌های جنسی و روانی ناشی از ازدواج‌های ناخواسته یا زود هنگام، تأکید دارد. در ادامه برخی از مهمترین اسناد بین‌المللی مرتبط با این مسأله، مورد تفصیل و بررسی قرار می‌گیرد.

بند اول: قرارداد تکمیلی منع بردگی و تأسیسات مشابه

قرارداد تکمیلی منع بردگی و برده‌فروشی و عملیات نهادهای مشابه بردگی، در تاریخ هفتم سپتامبر ۱۹۵۶ در مقر دفتر اروپایی سازمان ملل متحد در ژنو به امضا رسید. این قرارداد مشتمل بر یک مقدمه و شانزده ماده می‌باشد. اساساً این کنوانسیون به منظور منع روش‌ها، نهادها و روسمات مشابه بردگی مانند اجبار به خدمت در برابر دین و فروش یا ارث بردن زنان - که کنوانسیون منع بردگی ۱۹۲۶ بدان نپرداخته بود - به تصویب رسید.

براساس ماده ۱ این قرارداد تکمیلی: «هریک از دولی که عضو قرارداد می‌باشند کلیه اقدامات لازم قانونی و سایر اقدامات عملی را تدریجاً و در اسرع اوقات، جهت ممکن ساختن الغای کامل یا متروک گذاردن ترتیبات مرسوم و اعم از اینکه تعریف قضایی بردگی مندرج در ماده ۱ قرار دارد بردگی منعقد در ژنو ۲۵ سپتامبر ۱۹۵۶ شامل آن باشد یا نباشد، به عمل خواهد آورد». ماده ۱ قرار داد منع بردگی ۱۹۲۶ در تعریف بردگی مقرر می‌دارد: «بردگی حالت یا وضع شخصی است که حقوق مالکیت و صفات و خصایص آن درباره خود شخص اعمال می‌گردد». در حالی که ماده ۱ قرارداد تکمیلی ۱۹۵۶ با نگاهی موسع به نهادهای مشابه بردگی، رسومات و ترتیبات نظیر بردگی را در سه بند جداگانه مورد اشاره قرار می‌دهد.

ج: هر ترتیب یا رسومی که به موجب آن:

۱- ابوین یا قیم یا کسان و یا شخص و یا عده‌ای اشخاص دیگر زنی را بدون این که وی حق استنکاف داشته باشد به شخص دیگری وعده دهند یا به زوجیت او درآورند و درازای این امر مبلغی وجه نقد یا جنسی دریافت نمایند

۲- شوهر یا اقوام شوهر یا طایفه شوهر حق داشته باشند در مقابل اخذ وجه یا به طریق دیگر زن را به دیگری واگذار کنند یا

۳- زنی پس از مرگ شوهر به شخص دیگری به ارث برسد».

ماده ۲ این قرارداد، به منظور تسریع در خاتمه دادن به رسومات و ترتیبات مذکور در بند(ج) ماده ۱، از دولت‌های عضو قرار داد می‌خواهد در صورت اقتضا، حداقل متناسبی برای سن ازدواج تعیین نمایند و ترتیبی مقرر دارند که طرفین ازدواج را تشویق نمایند.

بند ۲ ماده ۱۶ همین سند نیز، نامزدی و نکاح کودک را فاقد هرگونه اثر قانونی و در واقع باطل اعلام می‌نماید. بنابراین در یک ارزیابی کلی، هر عملی که در این کنوانسیون ممنوع اعلام شده است از جمله ازدواج اجباری و زود هنگام، در حکم برده‌فروشی و از مصادیق آن می‌باشد. همین طور هر عرف یا رسمی که به موجب آن، کودک یا جوان زیر هجده سال، توسط یک یا هر دو والد طبیعی یا سرپرست، برای جبران خدمت به منظور بهره‌برداری و کار به شخص دیگر واگذار شود، از مصادیق شبه بردگی است.

بخش هشتم: راهکارها و تدابیر پیشگیرانه در برابر خشونت علیه زنان در حقوق بین الملل

بند اول: تدابیر پیشگیرنده (بازدارنده)

پیشگیری در لغت به معنای «جلوگیری و منع» و پیشگیری کردن به معنای «مانع شدن» در اصطلاح جرم‌شناسی، به معنای پیش‌دستی کردن و آگاه کردن و هشدار دادن در مورد جرم آمده است. به نظر برخی از جرم‌شناسان، پیشگیری از بزهکاری به مجموع تدابیری اطلاق می‌شود که با محدود کردن عوامل جرم‌زا و نیز مدیریت عوامل محیطی نرخ بزهکاری را کاهش می‌دهد.^۱ همچنین درمورد پیشگیری از خشونت بر زنان باید دانست که از مرحله تهدید به خشونت تا قبل از قطعیت یافتن آن زن وارد فرایندی خواهد شد که نیازمند اقدام فوری، ضروری و بهنگام نهادهای اجتماعی است. «نهادهای اجتماعی» عمدتاً ارکان مختلف جامعه از جمله نهادهای تقنینی، قضائی، اجرائی و مردمی رادر بر می‌گیرد. سیاست جنائی به عنوان تدابیر، چاره اندیشی یا توسل به راهبرد کنترل جرم درصدد تأمین منابع سه گانه بزهکار، بزه‌دیده و جامعه است و صرفاً برای این مهم، خود را محدود به مرحله وقوع بزه نمی‌کند بلکه با توسل به راهکارهای پیش‌گیرانه، قبل از وقوع خشونت به کنترل آن و حمایت از بزه‌دیدگان بالقوه نیز می‌پردازد. به نظر می‌رسد پیشگیری از خشونت بر زنان با توجه به وسعت آن و برخی مصادیق فراملی‌اش از جمله قاچاق زنان، نیازمند توسل به همکاریهای منطقه‌ای و بین‌المللی باشد. ضرورت پیشگیری از جرم قاچاق زنان تا آنجاست که این امر، موضوع اختصاصی هشتمین کنگره سالانه سازمان ملل متحد در پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین در سال ۱۹۹۰ قرار گرفت. در اسناد بین‌المللی تدابیر پیشگیرانه‌ای ارائه شده است که پرواضح است که خلاء آن در قوانین موضوعی ایران کاملاً دیده می‌شود. بدین سان حمایت از زنان، پیش از وقوع خشونت از دو جهت قابل تأمل است یعنی

^۱ نجفی ابرند آبادی، علی حسین، ۸۵-۱۳۸۴.

اینکه قانونگذار از حیث قانون نویسی مبرا از هرگونه اندیشه‌های مرد سالارانه و نقش اجرائی نهادهای عدالت کیفری به ویژه پلیس و نیروی انتظامی برای رویایی علیه موقعیت‌های آستن خشونت از اهمیت بسزایی برخوردار است.

بند دوم: پیشگیری کنش گرایی اجتماعی

پیشگیری اجتماعی به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که ضمن بررسی عوامل جرم زا، به مهار آن می‌پردازد. ابزارهای به کار گرفته شده در آن بیشتر از رهگذر رسانه‌های گروهی، آموزش، تقویت آگاهی و بالا بردن توسعه اجتماعی است. لزوم مشارکت جامعه مدنی در استراتژی مبارزه با بزهکاری اعم از پیشگیری یا سرکوب، از دستاوردهای ناشی از سیاست جنائی محسوب می‌شود. برای کنترل و مهار جرم، از ابزارهای حقوق جزا در قالب سیاست جنائی تقنینی، قضائی و اجرائی استفاده کرده و از نیروهای مردمی نیز در قالب (سیاست جنائی مشارکتی) بهره می‌برد؛ یعنی تلفیقی از برداشت مردم از پیام قانون و شرکت آنها در مبارزه علیه جرم از طریق مردمی کردن عدالت کیفری می‌باشد. ارکان فعال دولتی و غیردولتی مذکور، جهت پیشگیری‌های ناظر بر مرحله قبل از وقوع جرم، سعی خود را باید بر کنترل خشونت‌های جنسیت مآبانه با ارتقای سطح اندیشه غالب در جامعه و فرهنگ سازی مرتبط با آرمان‌های ضد خشونت معطوف سازند.

بند سوم: پیشگیری رشد مدارانه نسبت به خشونت علیه زنان

گرانیکا پیشگیری رشد مدارانه را به عنوان «پیشگیری» زودرس تعبیر می‌کند، آموزش و تربیت به خصوص آموزش به کودکان و نوجوانان را مد نظر قرار می‌دهد. در این نوع پیشگیری تلاش بر آن است که با شناسایی عوامل خطر ساز و مداخله زودرس و با توسل به تدابیر روانشناختی و اجتماعی از تداوم و استقرار رفتارهای مجرمانه به خصوص درمورد

کودکان جلوگیری شود.^۱ درگفتمان پیشگیری رشد مدار، عمده توجه، متمرکز بر شخص بزه دیده در راستای پیشگیری از بزه دیدگی اوست، لذا توجه به عوامل زمینه ساز خشونت بر زنان، به خصوص عوامل مرتبط با وضعیت آسیب پذیری بزه دیده و نیز عوامل مؤثر بر تقاضا به منظور مهار عوامل مذکور از اهمیت خاصی برخوردار است. تدابیر پیشگیرنده رشد مدار در این خصوص به اشکال گوناگون و باتوسل به ابزارهای متعدد انجام می گیرد. در عصر کنونی خشونت بر زن رو به گسترش است و در میان پیشرفت تکنولوژی ارتباطات و جهانی شدن اقتصاد و از بین رفتن مرزها منجر به توسعه بیشتر شده است. بدین ترتیب اتخاذ تدابیری به منظور آگاهی رسانیدن به افراد در معرض خطر به خصوص زنانی که در شرایط نامناسب اقتصادی و اجتماعی زندگی می کنند در جهت کاهش احتمال بزه دیدگی ضروری به نظر می رسد. همچنین باید گفت آمارهای کیفی یکی از وسایل ضروری در تحقیقات جرم شناسی اند که امکان بررسی تحولات عمومی بزهکاری، تغییرات و ترکیبات آن را با شرایط فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی فراهم می سازد و در بالا بردن آگاهی و تقویت و توانمندسازی، نهادهای دولتی نقش بسزایی در دستیابی اطلاعات آماری پیرامون خشونت علیه زنان دارند و همینطور سایر نهادهای تقنینی و قضائی که در عمق و شدت چندین فاجعه ای مساعدت خواهند کرد. «آگاه سازی جامعه از طریق دولت و وظیفه تفهیم حقوق شهروندی زنان و تغییر این باور غلط که زنان، شهروند درجه دوم نیستند راهکاری ضروری و تکمیلی می باشد و در عین حال روشی مناسب و مؤثر در تغییرات ساختار ذهنی مردان است. و ترویج ارزشهای انسانی و احترام گذاشتن به کرامت انسان و شأن شخصیت زن می تواند بر رفع خشونت علیه زنان مؤثر باشد.»^۲

^۱. احمدی، ۱۳۸۵: ۱۲.

^۲. دبیرزاده، الهه، «پیشگیری از بزه دیدگی جنسی»، شماره ۷، ۱۳۸۹.

بند چهارم: تدابیر پیشگیرنده اجتماع مدارانه

دست‌آورد این تدابیر کاهش امکان ارتکاب جرم در توسعه اجتماعی است، اتخاذ تدابیری همچون اشتغال زایی و ایجاد فرصت‌های برابر اقتصادی یا ایجاد مکانهای برای مشاوره هم در کاهش بزهکاری و هم در کاهش بزه دیدگی موثر خواهد بود. و از این میان قانون‌گذار ایرانی از این مقوله دور نمانده است.

الف) فقر زدایی

فقرزدایی به معنای بالا بردن سطح رفاه عمومی می باشد، به منظور از بین بردن فقر به عنوان ریشه ارتکاب بسیاری از جرایم است و از سوی دیگر فقر می تواند به عنوان ریشه بزه دیدگی در جرایم جنینی و نیز پذیرش خشونت به دلیل وابستگی مالی به مرتکب مطرح باشد. بسیاری از خانواده‌ها به دلیل فقر اقتصادی، حاضر به فروش دختران خود به عنوان عروس می شوند. به عنوان نمونه در بسیاری از شهرهای جنوب شرق ایران، دخترانی از خانواده‌های فقیر به عنوان عروس به ازدواج اتباع همسایگان شرقی ایران از جمله پاکستان درمی آیند. که پس از عزیمت به پاکستان، توسط شوهرانشان به دلالان و واسطه‌ها فروخته می شوند تا به عنوان روسپی‌گری مورد بهره برداری جنسی قرارگیرند. این مهم از دید تدوین کنندگان کنوانسیون پالرمو دور نمانده است. بند ۴ ماده ۹ پروتکل الحاقی به کنوانسیون پالرمو، دولت‌های عضو را متعهد به از بین بردن قاچاق از جمله فقر و توسعه و ایجاد فرصت‌های برابر در راستای کاهش بزه دیدگی زنان نموده است.

ب) ثبت اجباری ولادت و ازدواج

در حقوق ایران و در بند ۳ ماده ۱۶، ماده ۱۹ و ماده ۴۸ قانون سبیل احوال مصوب ۱۳۵۷ اصلاحیه ۱۳۶۳/۱۰/۱۸ و ماده ۳ قانون تخلفات جرایم و مجازات‌های مربوط به اسناد سجلی مصوب ۷۰/۵/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام، ثبت ولادت را اجباری اعلام نموده است

و ثبت واقعه ازدواج نیز یکی از تدابیر ضروری است. قطعنامه (X) ۸۴۳ مصوب ۱۷ دسامبر ۱۹۵۴ سازمان ملل متحد در ماده ۳ خود ضرورت ثبت ازدواج توسط مقام صلاحیت‌دار را متذکر شده است. در ماده ۶۴۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ قدیم و جدید عدم ثبت ازدواج مورد جرم انگاری واقع شده است که به موجب بند ۹ ماده ۵۸ قانون حمایت خانواده، مصوب ۱۳۹۱ نسخ شده است. ثبت اجباری ولادت نیز از آثرو دارای اهمیت است که همه ساله تعداد زیادی از کودکان بدون آنکه از آنها نشانی باشد دزدیده شده و به کشورهای صنعتی برده می‌شوند و در آنجا به عنوان فرزند خوانده فروخته شده و یا به بیگاری جنسی و جسمی گرفته می‌شوند.

نتیجه گیری

یکی از عوامل مهمی که در خشونت بر زنان تاثیر گذار هست محیط نامناسب همچون محیط کار یا محیط خانوادگی یا محیط اجتماعی که زن احساس امنیت نمی‌کند و همچنین فقر و سستیایی که از دیر باز نهادینه شده است. رفتار جوامع یا برخورد اطرافیان قربانی (زن) که باعث خشونت بر قربانیان میشود و آنان برای حفظ آبروی خود و ترد نشدن از خانواده به پنهان کاری بزه انجام شده روی می‌آورند. در قوانین داخلی ایران نیز، هرچند حمایت‌های کم و بیش قانونی از زنان وجود دارد اما پاسخگوی شدت و وخامت جرایم ارتكابی بر زنان از سوی خانواده یا جامعه نیست. به عنوان نمونه، علی‌رغم وجود انکارناپذیر خشونت‌های خانگی در ایران به ویژه در خانواده‌های سنت‌گرا، حمایت قانونی ویژه - حتی در تعریف و بیان مصادیق خشونت خانگی - وجود ندارد و در صورت تحقق آن صرفاً مراجعه به قوانین عام کیفری امکان‌پذیر است. همچنین است عدم وجود حمایت‌های کیفری در خصوص ازدواج‌های اجباری یا ازدواج‌های سستی با عنوان «خون بست» یا «ناف بر» که موجب ورود آسیب‌های شدید جسمی و روانی بر دختران می‌شود. پرواضح است که مواد پراکنده کیفری به درستی نمی‌تواند مانع تحقق خشونت یا کاهنده آن باشد. بلکه ساز و کارهای حمایتی تنها در پرتو یک سیاست جنایی افتراقی و منسجم، کارآمد

خواهد بود؛ به عبارت دیگر حمایت از بزه‌دیدگان بالقوه و در معرض خطر و نیز بزه‌دیدگان خشونت، با اقدامات سازمان یافته و هماهنگ توسط جامعه مدنی، و دولت قابل دستیابی است. از یک سو جامعه مدنی همان نهادها و سازمان‌های غیردولتی، خانواده، مدرسه و رسانه‌های گروهی در بالا بردن سطح آگاهی به زنان در خود باوری، مراقبت از خود و تغییر شیوه زندگی خطرناک برخی از ایشان و همچنین آموزش مفاهیم حقوق بشری و کرامت انسانی برای عموم افراد، نقش مهمی در پیشگیری یا کاهش خشونت بر زنان خواهد داشت. ضمن آنکه نهادهای مدنی می‌توانند با در نظر گرفتن تسهیلات کافی برای بزه‌دیدگان خشونت، امکان طرح شکایت و پیگیری آن را داشته باشند. از دیگر سو، دولت در معنای عام، با تدابیر تقنینی، اجرایی و قضایی مبنی بر حمایت از زنان اقدام خواهد نمود. در رفع خلاء های قانونی باید بیان داشت که بسیاری از مصادیق خشونت بر زنان به مانند خشونت کلامی، خشونت خانگی، همسرآزاری، تجاوز به عنف از سوی همسر، خرید عروس، ازدواج اجباری از سوی بستگان نسبی دختران و ازدواج پیش از بلوغ، در حقوق ایران مورد جرم‌انگاری قرار نگرفته است. این در حالی است که ایران به موجب عرف بین‌المللی و با پیوستن به برخی اسناد بین‌المللی مرتبط با ممنوعیت و تقبیح خشونت بر زنان، مکلف به جرم‌انگاری لازم است. مسلماً جرم‌انگاری هر پدیده، از یک سو نشانگر ارزش‌های مورد حمایت آن جامعه خواهد بود و از این منظر، دولت ایران می‌تواند با جرم‌انگارهای نو در این حوزه، اتهام‌های بین‌المللی نسبت به خود را در مورد حمایت ناکافی از حقوق زنان رفع کند و از دیگر سو، با بالا بردن هزینه‌های ارتکاب جرم برای بزه‌کاران بالقوه، آنان را از ارتکاب جرایم خشونت‌آمیز نسبت به زنان منصرف سازد.

منابع و مأخذ

الف) کتاب ها

- ۱- عظیم‌زاده، شادی، «حقوق جزای عمومی و اختصاصی مطابق با قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲»، تابستان ۱۳۹۲.
- ۲- اعزازی، شهلا، «خشونت خانگی و زنان کتک خورده»، انتشارات سالی، چاپ یکم، تهران، ۱۳۸۰.
- ۳- بسته نگار، محمد، «حقوق بشر از منظر اندیشمندان»، انتشارات سهامی، تهران، ۱۳۸۰.
- ۴- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، «ترمینولوژی حقوق»، انتشارات گنج دانش، تهران ۱۳۷۷.
- ۵- دهخدا، علی اکبر، «لغت نامه»، جلد ۲۱، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۷.
- ۶- گسن، ریموند، «جرم شناسی کاربردی»، برگردان مهدی کی‌نیا، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ یکم، تهران، ۱۳۷۰.
- ۷- میرمحمد صادقی، حسی، «دادگاه کیفری بین المللی» (مجموعه مقالات)، نشر میزان، تهران، ۱۳۷۷.
- ۸- دکتر عظیم زاده، شادی، «حقوق کیفری مطابق با قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲»، مقاله‌ها، تابستان ۱۳۹۳.
- ۹- مهرپور، حسین، «حقوق بشر در اسناد بین المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران»، انتشارات اطلاعات، چاپ یکم، تهران، ۱۳۷۴.

ب) مقاله ها

- ۱- احمدیه، مریم، و بداغی (فاطمه)، «جرایم علیه خانواده، در پژوهش های میدانی، کاستی ها و پیشنهادها»، کتاب زنان (فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، پاییز ۱۳۸۲).
- ۲- اسدی، لیلا سادات، «مهار خشونت های خانگی از قانون تا اخلاق»، کتاب زنان (فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان)، بهار ۱۳۸۳.
- ۳- دبیرزاده، الهه، «پیشگیری از بزه دیدگی جنسی»، کتاب زبان (فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان)، خرداد ۱۳۸۵.
- ۴- عظیم زاده، شادی، «پیامدهای جلوه های سیاست جنایی در حمایت از زنان بزه دیده خشونت»، مجله حقوقی دادگستری، پاییز و زمستان ۱۳۸۴.
- ۵- میرمحمد صادقی، حسین، «حقوق کیفری بین المللی و خشونت علیه زنان»، بهار و تابستان ۱۳۷۹.
- ۶- بیک زاده، ابراهیم، «بررسی جنایت نسل کشی و جنایت بر ضد بشریت».
- ۷- محقق داماد، آیت الله سیدمصطفی، «حدودزمان ما، اجرا یا تعطیل؟»، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۶-۲۵، بهار و تابستان ۱۳۷۸.
- ۸- رمضان نرگسی، رضا، «تجاوز و بزه دیدگی زنان»، کتاب زنان (فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان) شماره سوم، خرداد، ۱۳۸۵.

ج) پایان نامه ها

- ۱- رنجبران، قاسم، «حمایت از زنان بزه دیده»، پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۴.

- ۲- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «علوم جنایی: تقریرات درس جرم شناسی»، دانشگاه شهید بهشتی، ۷۳، ۱۳۷۲.
- ۳- شمس‌ناتری، محمد ابراهیم، «سیاست کیفری ایران در قبال جرایم سازمان یافته با رویکرد حقوق جزای بین‌المللی»، رساله جهت اخذ مدرک دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، ۱۳۸۰.
- ۴- کوشا، جعفر، «تغییرات درس حقوق جزای اختصاصی»، جزوه درس برای اختصاصی دوره کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق، نیمسال دوم ۸۴-۸۳.